

نگاهی بر خیام

گرد آورنده : علیرضا شریفی

نام درس : ادبیات فارسی عمومی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

استاد: سرکار خانم دکتر شیوا زارعی

غیاث الدین ابوالفتح عمر ابن ابراهیم خیام نیشابوری، از علمای مشهور ایرانی است که زندگی، عقاید و کارهای او در هاله ای ابهام و البته سو تعبیر پنهان مانده است. وی همه چیز دان، فیلسوف، ریاضی دان، ستاره شناس و شاعر ایرانی در دوره سلجوقی بوده است. بسیاری از افراد در طول تاریخ تلاش کرده اند با نگارش مقالات و کتاب هایی، به افکار و اندیشه های وی بپردازند ولی همچنان عقاید حقیقی او پنهان مانده است و هرکس از نگرش خود رباعیات وی را تعبیر میکند. برخی او را ملحد و زندیق میخوانند و گروهی نیز در صدد تبرئه او برآمدند و با تفسیر آثارش او را فردی صوفی و زاهد نشان داده اند. متأسفانه از زندگی و عقاید خیام، اسناد تاریخی معتبر فراوانی در دسترس نیست و همین موضوع باعث افزایش سو برداشت ها و اختلافات در باب افکار او شده است. در این مطلب، ابتدا نگاهی گذرا بر زندگی خیام خواهیم انداخت و سپس به بررسی آثارش در نگاه برخی از بزرگان علم و ادب ایران و جهان میپردازیم.

نگاهی بر زندگی خیام

خیام در سده پنجم هجری قمری در نیشابور متولد شد و تحصیلات خود را در همانجا آغاز کرد. از چگونگی تحصیلات و اساتید او اطلاع اندکی در دسترس است. روایاتی میگویند وی در حوزه درس امام موفق، فقیه عصرش حاضر میشده. عده ای وی را شاگرد ابوعلی سینا میخوانند که وی نیز در یکی از کتب خود به این موضوع اشاره کرده است. از آنجایی که از نظر زمانی خیام و ابوعلی سینا با هم تفاوت داشتند، این موضوع دور از ذهن مینماید و احتمالاً او خود را شاگرد معنوی ابوعلی سینا میدانسته است. برخی ادعا کرده اند خیام فلسفه را مستقیماً به زبان یونانی فراگرفته بود. خیام همچنین ریاضیات را از ریاضی دان زرتشتی، بهمنیار آموخت. در سال ۴۴۹ هجری قمری به همراه اهر، قاضی القضاات سمرقند، کتابی درمورد معادله های درجه سوم ریاضیات به زبان عربی نوشت که بعنوان "رساله فی البراهین علی مسائل الجبر و المقابله" شناخته میشود. از آنجا که وی با خواجه نظام الملک طوسی رابطه ای نزدیک داشت، این کتاب را به وی هدیه کرد. در سال ۴۵۶، خیام مهم ترین اثر ریاضی خود را با نام "رساله فی شرح ما اشکل من مصادرات اقلیدسی" نوشت و در آن خطوط موازی و نظریه نسبت ها را شرح داد.

آوازه علمی خیام، سبب شد او به دربار سلجوقیان راه یابد. امرای سلجوقی خیام را غالباً همچون یک دوست تلقی میکردند و با او مکالمات دوستانه ای داشتند. از حدود سال ۴۶۷ هجری قمری، خیام به همراه ابوالمظفر اسفزاری، میمون ابن نجیب واسطی و دیگران، به اصلاح تقویم پرداخت و در سال ۴۷۱ هجری، تقویم جلالی بوجود آمد، که همچنان به عنوان یکی از دقیق ترین تقویم ها شناخته میشود.

مرگ خیام را میان سال های ۵۱۷-۵۲۰ تخمین میزنند که در نیشابور رخ داد. آرامگاه وی اکنون در شهر نیشابور، در باغی که آرامگاه امامزاده محروق در آن میباید قرار گرفته است.

در زمان زندگی خیام، فرقه های گوناگون دینی مشغول مباحثات و مجادلات کلامی بودند و اقشار مختلف فیلسوفان را به کفر و الحاد متهم میکردند و حتی امام محمد غزالی نیز از اتهام کفر در امان نماند.

خیام در جهان غرب پرآوازه است و این شهرت بیشتر به سبب ترجمه اشعار خیام به دست ادوارد فیتز جرال است که کتاب "رباعیات خیام" را پدید آورد.

به عقیده جرج سارتن، خیام در ریاضیات بسیار توانمند بود و اولین کسی بوده است که به تحقیق منظم علمی در معادلات درجات اول و دوم و سوم پرداخته است.

خیام همچنین در کتاب "رساله فی شرح ما اشکل من مصادرات اقلیدس"، اصل پنجم اقلیدس درباره خطوط موازی را مورد مطالعه قرار داد و آنرا اثبات کرد. خیام در این کتاب نسبت به اصول هندسه اقلیدسی که صدها سال مرجع اصلی علم هندسه در سرتاسر دنیا بود شک کرد. بیش از ۷۰۰ سال بعد، روش خیام مبنای کار ریاضی دان بزرگ، لباچفسکی قرار گرفت که وی هندسه غیر اقلیدسی را ابداع کرد.

قدیمی ترین اشاراتی که به خیام شده است و نویسنده آن هم دوره خیام بوده، نظامی عروضی نویسنده "چهار مقاله" است. او خیام را در ردیف بزرگترین منجمین ذکر میکند ولی اسمی از رباعیات او به میان نمی آورد. دیگر کتابی که به وی اشاره میکند، "تاریخ بیهقی" و "تمه صوات الحکمه" است که نگارش ابوالحسن بیهقی میباشد. او نیز چیز زیادی از خیام فاش نمیکند و او را فیلسوف و حجه الحق مینامد. گویا اشعار خیام بواسطه تعصب مردم مخفی بوده است و تدوین نشد و تنها بین یک دسته از دوستان نزدیک او شهرت داشته یا در حاشیه وقایع و جنگ ها از وی ضبط شده است. نخستین کتابی که از خیام به عنوان شاعر گفت و گو میشود، کتاب "خریده /قصص" تالیف عمادالدین کاتب اصفهانی است که در سال ۵۷۲ یعنی نزدیک به ۵۰ سال پس از مرگ خیام نوشته شده است. نویسنده آن، خیام را در زمره شعرای خراسان نام برده است.

کتاب دیگری که خیام شاعر را به مطالعه در آورده، "مرصاد العباد" اثر نجم الدین رازی میباشد. وی صوفی متعصبی بوده است و به خیام به عقیده بطلان نگرسته و به وی نسبت فلسفی و دهری داده است: "فلسفی و دهری از این دو مقام (ایمان و عرفان) محروم اند و سرگشته و گم گشته. یکی از فضلا که به نزد نابینایان به فضل و حکمت و کیاست معروف و مشهور است و آن عمر خیام است، از غایت حیرت و ضلالت این بیت را میگوید:

در دایره ای کامدن و رفتن ماست

آن را نه بدایت، نه نهایت پیداست

کس می نزنند دمی در این عالم راست،

کین آمدن کجا و رفتن به کجاست!"

اما تنها سند مهمی که از رباعیات اصلی خیام در دست میباشد، عبارت است از رباعیات سیزده گانه مونس الاحرار که در سال ۷۴۱ هجری نوشته شده است. رباعیات مزبور علاوه بر قدمت تاریخی، با روح و فلسفه و طرز نگارش خیام نیز درست جور در می آیند و انتقاد نویسنده مرصاد العباد به آنها نیز وارد است.

نگاهی بر خیام و افکارش

ترجمه فیتزجرالد نه تنها بر شناخت جهانیان از خیام تأثیر فراوانی داشت، بلکه باعث حرکت پژوهشگران ایرانی در باب شناختن بیشتر خیام نیز شد.

بنابر مقاله "کارنامه خیام پژوهی در سده چهاردهم" اثر کاووس حسن لی و سعید حسام پور، در سه دهه ی نخست سده چهاردهم هجری، تعداد اندکی مقاله در رابطه با خیام به زبان فارسی منتشر شده است. روشن است که در این سه دهه، خیام پژوهی در ایران در آغاز راه بود و هنوز تحقیقات زیادی در این مورد انجام نشده بود. در همین سه دهه، پژوهشگران نامداری چون عباس اقبال آشتیانی، سعید نفیسی، محمد قزوینی، صادق هدایت، مجتبی مینوی و بدیع الزمان فروزانفر هر یک به گونه ای می کوشند تا به یاری اسناد و آثار تاریخی، ابهام های زندگی و شعر خیام را روشن سازند.

یکی از اولین افراد که تأثیر فراوانی نیز داشت، صادق هدایت بود که ابتدا با نوشتن مقاله "مقدمه ای بر رباعیات خیام" دیدگاه های خود را درباره اندیشه و شخصیت خیام بیان کرد و البته وی ده سال بعد در کتاب "ترانه های خیام" برخی از مطالب این مقاله را تغییر داد. تفاوت این دو اثر در این است که هدایت در اثر نخست مواردی مانند انکار معاد و ستیز با صانع را به خیام نسبت نداده بود. در حالی که در کتاب "ترانه های خیام" با نگاهی بدبینانه و پوچ انگارانه به بررسی اشعار و شخصیت خیام پرداخت. به زبان دیگر، لحن و نقد هدایت نسبت به خیام در کتاب دوم تند تر شد. حال یا دانش خود هدایت نسبت به افکار خیام عمیق تر شد، یا به عقیده برخی دیگر از بزرگان مانند جعفر آقایان چاوشی، هدایت چهره خود را در خیام متصور شد و بیشتر افکار خود را در مورد شخصیت وی بازتاب داد.

از نظر هدایت، خیام یک فیلسوف مادی گراست و وی عقیده دارد هرچند ترانه های خیام در ظاهر کوچک هستند ولی بسیار پرمغز و حاوی سوالات و مسائل مهمی هستند که انسان را در طول تاریخ سرگردان کرده است. اشعار خیام آینه ایست که هرکس قسمتی از یاس های انسانی خود را در آن میبیند. در کتاب "اخبار العلماء باخبار الحکما" که در سال ۶۴۶ تألیف شده، در مورد خیام چنین گفته شده که: "باطن آن اشعار برای شریعت مارهای گزنده و سلسله زنجیر های ضلال بود. و وقتی که مردم او را در دین خود تعیب کردند و مکنون خاطر او را ظاهر ساختند، از کشته شدن ترسید و عنان زبان و قلم خود را باز کشید و به زیارت حج رفت... و اسرار ناپاک اظهار نمود...". به عقیده هدایت، خیام در مورد مسائل دینی با تمسخر نگریسته و از روی تحقیر به علما و فقها حمله میکند. به این سبب است که خیام مسائل ماورایی و پس از مرگ را با لحن تمسخر آمیز و با نقل قول "گویند" شروع میکند:

"گویند بهشت و حور عین خواهد بود..."

"گویند مرا بهشت با حور خوش است..."

"گویند مرا که دوزخی باشد مست..."

به عقیده هدایت، خیام با سایر شعرا تفاوت دارد. از این جهت که فکر جبری خیام بیشتر در اثر علم نجوم و فلسفه در وی پیدا شده است و تأثیر تربیت علمی او بر روی عقاید و اشعارش واضح است. در زمینه شعر، هدایت کلام خیام را به مراتب ساده، طبیعی و دلچسب میداند. تا حدی که انسان به حیرت میفتد زمانی که درمیابد یک عقیده فلسفی مهم چگونه ممکن است در یک رباعی بگنجد. شاعران بسیاری نیز از وی الهام گرفته اند که از مشهور ترین آنها میتوان به حافظ اشاره کرد.

به عقیده هدایت، حافظ نیز به زهد و ریا حمله میکند ولی این حمله با حمله خیام متفاوت است و حافظ قدری محافظه کار تر، ترسو تر و محتاط تر از خیام است:

"راز درون پرده ز رندان مست پرس،

کاین حال نیست زاهد عالی مقام را"

"باغ فردوس لطیف است، ولیکن زنهار،

تو غنیمت شمر این سایه بید و لب کشت"

"پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت،

آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد!"

در مجموع صادق هدایت خیام را فردی فیلسوف، دانشمند و با عقاید مادی گرایی میداند که به نقد و کنایه عقاید مذهبی پرداخته است.

دلایل دیگری نیز بر مادی گرایی خیام گفته میشود. برای مثال در مورد رباعی:

"سازنده چو ترتیب صنایع آراست

از بهر چرا فکندش اندر کم و کاست

گر نیک آمد شکستن از بهر چه بود

ور نیک نیامد این صور عیب کراست"

در این رباعی شاعر به طور آشکار به نقد برهان نظم اشاره میکند. در بخش ابتدایی به این اشاره میکند که

اگر صانع جهان موجودی کامل است، پس چرا جهان دارای نقص است؟

و همینطور در مورد رباعی:

"گر بر سر لوح بودنی ها بوده است

پیوسته قلم ز نیک و بد فرسوده است

ور روز ازل هر آنچه بایست بداد

غم خوردن و کوشیدن ما بیهودست"

این ابیات نه تنها به جبرگرایی خیام اشاره دارد، بلکه بحث فلسفی قدیمی میان تناقض مشیت الهی و اختیار

انسان را نیز مطرح میکند.

برخی افراد نیز برخلاف این مدعا فکر میکنند و عقیده دارند خیام فردی دین دار و مذهبی بوده است و تعبیری همچون تعبیر صادق هدایت ناشی از برداشت غلط از اشعار خیام است. یکی از افرادی که در مورد اندیشه خیام تحقیق کرده است، علامه محمد تقی جعفری است که کتاب "تحلیل شخصیت خیام" را در این مورد نگاشت. از نظر علامه محمد تقی جعفری، اشعار خیام به چهار دسته کلی تقسیم میشوند:

- ۱- رباعیاتی که محتوای آن بی وفایی دنیا، سرعت گذران عمر و منتهی شدن همه طراوت ها و شادابی ها به پژمردگی و افسردگی است.
 - ۲- رباعیاتی که نشان دهنده محدودیت تفکر بشری و ناتوانی انسان از کشف اسرار هستی و نامحدود بودن راز های آفرینش است.
 - ۳- رباعیاتی که تبلیغ کننده لذت پرستی، غنیمت شماری لحظه، خوش بودن است.
 - ۴- رباعیاتی که مروج مفاهیم پوچ گرایانه و بی اساس و هدف بودن آفرینش است.
- به عقیده علامه جعفری، رباعیات گروه سوم و چهارم را به سبب تناقض فکری و شخصیت علمی و اعتقادات کلامی و مذهبی خیام، نمیتوان در شمار سروده های وی طبقه بندی کرد. وی همچنین برای این استدلال خود چندین دلیل نیز می آورد.
- خیام در رساله "لکون و التکوین" در پاسخ به قاضی ابونصر نسوی به این موضوع میپردازد که خداوند واجب الوجود است و وجودش احتیاج به علت ندارد. در همین رساله، تکالیف دینی را دستوراتی صادر شده از خداوند برای هدایت انسان ها در جهت کمال میداند و همچنین آدمی را به پرهیز از گناه فرا میخواند. چنین نظری با آنچه در برخی رباعیات منسوب به او که به لذت طلبی و شراب نوشی و میپردازد، ناسازگار و متعارض است.
- علامه جعفری همچنین اشاره میکند که القابی که هم عصران خیام برای وی استفاده میکردند القابی نظیر "امام"، "الامام الاجل"، "حجت الحق علی الخلق"، "فیلسوف" و نظایر آن است. استفاده از این القاب نشان دهنده آن است که معاصرانش او را به عنوان فردی حکیم، وارسته و دارای مقام دینی میدانسته اند که منسوب کردن اشعاری با محتوای شراب خواری و پوچ گرایی به وی متناقض با این القاب است.
- افراد دیگری نیز خیام را بدین شکل معرفی کرده اند. محمد علی فروغی و قاسم غنی کتاب "رباعیات حکیم" خیام نیشابوری را در ۱۳۲۱ شمسی منتشر کردند و به نقد کفر دانستن رباعیات خیام پرداخته اند و بر دین داری او و حیرت او در مورد چگونگی آفرینش جهان تاکید کرده اند. از دیگر افرادی که خیام را چنین معرفی میکنند میتوان به علی دشتی، محمد مهدی فولادوند، جعفر آقایان چاوشی و... اشاره کرد.

نگاهی بر اندیشه حاکم بر اشعار خیام

خیام به عنوان یک شاعر خط فکری جالبی را دنبال میکرد. اندیشه های وی صرفاً مربوط به نظریات خود او هم نیست و افکاری چنین مشابه در شعرای ایرانی و فیلسوفان غربی نیز یافت میشود، اما به قول صادق هدایت، خیام با زبانی منحصر به فرد و در کمال سادگی این ایده ها را مطرح کرده و سخنش در جان مخاطب مینشیند. در این بخش به بررسی و مطالعه ابعاد فکری خیام در اشعارش خواهیم پرداخت.

تفکر در باب آفرینش هستی

" هرچند که رنگ و روی زیباست مرا
چون لاله رخ و چو سرو بالاست مرا
معلوم نشد که در طربخانه خاک
نقاش ازل بهر چه آراست مرا؟"

" ای دل تو به ادراک معما نرسی
در نکته زیرکان دانا نرسی
اینجا ز می و جام بهشتی می ساز،
کانجا که بهشت است رسی یا نرسی!"

" اسرار ازل را نه تو دانی و نه من
وین حرف معما نه تو خوانی و نه من
هست از پس پرده گفت و گوی من و تو
چون پرده برافتد، نه تو مانی و نه من"

خیام در این گروه از اشعارش بر این موضوع تاکید دارد که کسی قادر به کشف اسرار آفرینش جهان و پیش بینی اتفاقات بعد از آن نیست و از همین روی، به دریافتن لحظه و خوشی تاکید دارد.

در باب رنج زندگی

" امروز که نوبت جوانی من است
می نوشم از آنکه کامرانی من است
عیب مکنید اگرچه تلخ است خوش است
تلخ است، از آنکه زندگانی من است"

" گر آمدنم به من بدی نامدمی
ور نیز شدن بمن بدی کی شدمی؟
به زان نبدی که اندرین دیر خراب،
نه آمدمی، نه شدمی، نه بدمی"

" چون حاصل آدمی در این جای دو در،
جز درد دل و دادن جان نیست دگر
خرم دل آنکه یک نفس زنده نبود
و آسوده کسی که خود نژاد از مادر "

خیام در این گروه از ابیات به روشنی اشاره به درد و رنج عمیق همراه با زندگی میپردازد و در انتها به یک پوچی عمیق میرسد. تا جایی که او خوشبختی را در دنیا نیامدن میداند. این افکار به وضوح ما را به یاد فیلسوفان مشهوری چون آرتور شوپنهاور و فردریش نیچه میندازد که در باب رنج ناگسستگی زندگی سخن گفته اند. به گفته شوپنهاور، زندگی در یک دایره محصور شده است که در یک طرفش لذت ایستاده و در سوی دیگر حسرت. آدمی مادامی که در جهان است بین این دو می‌رود و می‌آید و این رفت و آمد موجب ملال میشود. او نیز مانند خیام به جهان با بدبینی عمیق نگاه میکند و به این نتیجه میرسد که جهان سراسر رنج و مشکلات است.

چرخش ذرات در جهان

" هر ذره که بر روی زمینی بوده است
خورشید رخی، زهره جبینی بوده است،
گرد از رخ آستین به آزر م فشان،
کان هم رخ خوب نازنینی بوده است "

" هر سبزه که بر کنار جویی رسته است
گویی ز لب فرشته خویی رسته است
پا بر سر هر سبزه به خواری ننهی
کان سبزه ز خاک لاله رویی رسته است "

" در کارگه کوزه گری کردم رای
بر پله چرخ دیدم استاد بیای
می کرد دلیر کوزه را دسته و سر
از کله پادشاه و از دست گدای "

در این ابیات خیام این عقیده را مطرح میکند که ذرات سازنده جهان به اشکال گوناگون در گردش هستند و تنها زمانی محدود در قامت انسان تجلی یافته اند و سپس خاک میشوند و خاکی که امروز میبینیم روزی پیکر فردی بوده است.

در اهمیت دم

"شادی بطلب که حاصل عمر دمی است
هر ذره ز خاک کیقبادی و جمی است
احوال جهان و اصل این عمر که هست
خوابی و خیالی و فریبی و دمی است"

"چون عهده نمیشود کسی فردا را
حالی خوش کن تو این دل سودا را
می نوش به ماهتاب، ای ماه که ماه
بسیار بگردد و نیابد ما را"

"این قافله عمر عجب میگذرد!
در یاب دمی که با طرب میگذرد
ساقی، غم فردای حریفان چه خوری
پیش آر پیاله را که شب میگذرد"

خیام اهمیت زیادی به این موضوع قائل است که باید لحظه را غنیمت شمارد چرا که جهان رفتنی است و عمر به سرعت در گذر است. این فلسفه خیام شاید به سرعت ما را به یاد اندیشه های فیلسوف معروف یونانی، اپیکور، بیندازد که بسیاری از اندیشه های دیگر خیام نیز با او قرابت دارند. اپیکور پایه گذار فلسفه لذت گرایی است. وی لذت را مساوی خیر و خوبی میداند و وظیفه هرکس را در جهان، فرار از رنج و مشقت دنیا و حرکت به سوی لذت میداند. البته این موضوع گاهی موجب سو برداشت هایی از فلسفه اپیکور شده است، چرا که وی لذتی را که به دنبال خود رنج می آورد نکوهش میکند و مخالف عیاشی لحظه ای است.

در مجموع در مورد خیام روایات و تفاسیر فراوان است و شاید هیچگاه نتوان به دیدگاه مورد توافقی در مورد وی دست یافت. اما همگان بر این مورد توافق دارند که وی شخصیتی والا و فراتر از زمان خود داشت و گذشته از آن، توانست با کلام زیبا و تشبیهات دقیق خود، جهانی را مجذوب خود کند.

منابع

- کتاب "ترانه های خیام" اثر صادق هدایت
- کتاب "تحلیل شخصیت خیام" اثر محمد تقی جعفری
- کتاب "سیری در افکار علمی و فلسفی حکیم عمر خیام نیشابوری"، اثر جعفر آقایان چاوشی
- مقاله "کارنامه خیام پژوهی در سده ی چهاردهم"، اثر کاووسی حسن لی و سعید حسام پور
- کتاب "رباعیات خیام"، تصحیح محمد علی فروغی
- ویکی پدیا دانشنامه آزاد: خیام
- ترجمان علوم انسانی: فلسفه شوپنهاور در ژرف ترین لایه هایش "مشق مرگ" است.